
خاطرات عمرو و موسی

سال‌های دیپلماتیک

نویسنده: خالد ابوبکر

مترجم: سمیه رعیت



انتشارات ارادمان

فهرست مطالب

- فصل ۱: جنگ عراق علیه کویت و اختلاف میان نظام‌های عربی ۹
- فصل ۲: انتخاب به عنوان وزیر امور خارجه ۳۳
- فصل ۳: بازنگری در ساختار وزارت خارجه ۵۳
- فصل ۴: همکاری بین وزارت امور خارجه و سازمان اطلاعات ۶۹
- فصل ۵: وارد کردن اداره مدیترانه به ادارات سیاست خارجه مصر ۷۹
- فصل ۶: ارتباط با جهان عرب ۱۰۱
- فصل ۷: مصر و مساله فلسطين ۱۳۹
- فصل ۸: از اوسلو تا شرم الشيخ ۲۰۰۰ ۱۷۹
- فصل ۹: پیگیری برنامه هسته‌ای اسرائیل ۲۱۵
- فصل ۱۰: تاریخ رویارویی‌ها با اسرائیل ۲۵۱
- فصل ۱۱: روابط مصر - آمریکا ۲۷۹
- فصل ۱۲: تعاملات منطقه: مصر، ایران و ترکیه ۳۰۷
- فصل ۱۳: حسنی مبارک ۳۴۱
- فصل ۱۴: خانواده کوچک من ۳۵۹
- پانوشتها ۳۶۵
- منابع ۴۰۱

پیش‌گفتار

نویسنده این کتاب دکتر عمروموسی، وزیر خارجه پیشین مصر و دبیرکل سابق اتحادیه عرب در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ است. او به گواهی بسیاری از صاحب‌نظران، دیپلماتی کارکنده و سیاستمداری حاذق بوده و در طول چند دهه در دیپلماسی مصر و جهان حضور مؤثر داشته است. به همین دلیل وقتی کتاب حاضر را منتشر کرد بلافاصله به کتابی پرفروش تبدیل شد چرا که کلام درج شده در این کتاب به قلم کسی است که خود در ماجراهای بازگو شده تنها ناظر نبوده بلکه در آن نقش ایفا کرده است. کتاب حاضر تا پایان تصدی وزارت خارجه او را در بر می‌گیرد و نویسنده در صدد است تا خاطرات مربوط به دوره دبیرکلی اتحادیه عرب را در کتاب دیگری که هنوز به چاپ نرسیده، منتشر کند. مترجم نیز امیدوار است بتواند ترجمه جلد دوم را بعد از انتشار ترجمه و به دست چاپ بسپارد.

در این کتاب نویسنده علاوه بر بیان زندگی شخصی خود، تحولات مصر و نقش این کشور در تحولات منطقه و کشورهای جهان را به زبانی روشن و بیانی گیرا بازگو کرده است. او هم‌چنین از نقش و تجربیات خود در سیاستگذاری‌های داخلی و خارجی سخن به میان آورده که برای علاقه‌مندان به امور سیاسی و تحولات دیپلماتیک چند دهه گذشته منطقه و جهان قابل تامل بسیار است. ناگفته نماند که فرازهایی از اظهارات عمرو موسی در این کتاب در کشور مصر موافق و مخالفانی پیدا کرده است.

هنگ عراق علیه کویت و ائتلاف میان نظام‌های عربی

کنفرانس بغداد می ۱۹۹۰ میلادی؛

در طول ریاستم به عنوان نماینده دائم مصر در سازمان ملل از من برای حضور در بسیاری از کنفرانس‌ها و مناسبت‌های بزرگ دعوت می‌شد، که یکی از این مناسبت‌ها، حضور در اجلاس سران کشورهای عربی در ۲۸ می ۱۹۹۰ میلادی در بغداد بود که به دعوت صدام حسین، رئیس‌جمهور (سابق) عراق برگزار می‌شد، و از سوی دکتر عصمت عبدالمجید، وزیر امور خارجه (پیشین مصر) مأموریت یافتم تا در آن شرکت کنم.

چند روز قبل از برگزاری نشست سران کشورهای عربی، همراه با دکتر عبدالمجید برای حضور در نشست وزیران امور خارجه کشورهای عضو که پیش از دیدار سران برگزار می‌شود، از نیویورک راهی بغداد شدم. در نشست وزیران خارجه فضای پرتنش حاکم بود؛ چرا که عراقی صراحتاً تصمیم خود را برای رهبری جهان عرب اعلام کرد. صدام حسین معتقد بود که بیروز میدان جنگ با ایران در سال‌های بین ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ میلادی بوده و بر این باور بود که حسنی مبارک، رئیس‌جمهور وقت مصر و دیگر سران عرب مثل او شایستگی این مأموریت را ندارند. این مساله باعث بروز اختلافات بسیاری در سطوح مختلف شد؛ از جمله اختلافی که در نشست مقدماتی سران کشورهای عربی، بین وزرای خارجه کشورها ایجاد شد، طارق عزیز^۱ مخالف اظهارات عصمت عبدالمجید درباره قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل بود. این

قطعه‌نامه بخشی از اصل مذاکره با اسرائیل برای بازگرداندن حقوق کشورهای عربی بود و زمانی که عبدالمجید شروع کرد تا درباره این قطعه‌نامه صحبت کند، وزیر خارجه عراق گفت: نه، نه، درباره قطعه‌نامه ۲۴۲ یا بقیه قطعه‌نامه‌ها صحبت نکنیم. این یک مساله تاریخی قدیمی است که تمام شده است. در حال حاضر عراق مسؤول است. در آینده در خصوص حقوق کشورهای عربی تصمیم‌گیری خواهیم کرد. قطعه‌نامه‌های سازمان ملل و موارد مشابه آن هم ارزشی ندارند. خواهش می‌کنم این بحث‌ها را ادامه ندهید و بگذارید کارمان را انجام دهیم. عبدالمجید از سخنان طارق عزیز ناراحت شد و جواب داد: فکر نمی‌کنم کارها آنطور که حرفش را می‌زنید، پیش برود. این‌ها قطعه‌نامه‌های بین‌المللی هستند که باید در مذاکره بر سر حقوق‌مان از آنها استفاده شود.

عزیز پاسخ داد: نه دکتر. این تصمیم ما در عراق است. این چیزی است که کارها طبق آن پیش می‌رود؛ چرا که شما راه صدور قطعه‌نامه‌ها را پیش بردید و شکستش محرز شد. الآن عراق طرح جدیدی را مطرح و رهبری خواهد کرد.

پاسخ وزیر خارجه مصر به طارق عزیز با حیرت زیاد من همراه بود وقتی که گفت: اگر اینطور است پس من استعفا خواهم داد!

نزدیک بود از این پاسخ وزیر دیوانه شوم. یعنی چه "استعفا میدهم"؟ طارق عزیز چه کاره بود که حتی به او اشاره کند که می‌خواهد استعفا بدهد؟ اگر وزیر خارجه مصر این حرف را به خاطر اختلاف‌نظر با رئیس‌جمهور مصر به زبان می‌آورد، قابل فهم بود اما اینکه به وزیر خارجه کشور دیگری بگوید، معنی نداشت!

پر واضح بود که صدام حسین سیاستی را بر پایه تغییر خط سیاسی کشورهای عربی ترسیم می‌کرد و می‌دانستم که او دولتی را در مصر تصور می‌کرد که کم‌کم در حال ضعیف شدن است و البته شخصا نظر منفی در خصوص حسنی مبارک داشت. معتقد بود در آینده قدرت عراقی جایگزین ضعف مصر و قدرت شخص او هم جایگزین ضعف مبارک خواهد شد. هم چنین صدام القاب منفی را به مبارک نسبت می‌داد که حتی مبارک خودش چنین چیزهایی را با خنده بازگو می‌کرد. هم چنین دیدم که تعدادی - ونه همه - کشورهای حوزه خلیج (فارس) با او هم‌جریان و هم‌صدا می‌شدند و مخالفتی از خود بروز نمی‌دادند، و گاهی تایید می‌کردند و